زندگی سلام
ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
•یک‌شنبه•۲۲ مهر ۱۳۹۷•شماره ۱۱۶۱

دنیا به روایت تصویر

تلگراف| جشنواره ریش و سبیل، انگلستان

گاردین| برگزاری مسابقه و مراسم سنتی برای برداشت محصول بیشتر، ویتنام

آسوشیتدپرس| خرابی‌های ناشی از توفان، ایالات متحده

حدیث روز

امام موسی کاظم(ع): کسی که هر روز خود را ارزیابی نکند، از ما نیست.

الاختصاص

ذکر روز یک‌شنبه

صد مرتبه «یا ذاالجلال والاکرام»

در محضر بزرگان

اخلاق و دین و اصالت ملاک ازدواج است

آیت ا... سیستانی درباره اهمیت تشکیل خانواده فرموده‌اند:

تشکیل خانواده مایه انس و لذت انسان و موجب جدّیت در کار است و وقار و احساس مسئولیت را در پی دارد و سبب می‌شود تا انسان همه نیروی خود را برای روز نیازمندی به کار گیرد و او را از بسیاری از امور نامشروع و پست حفظ می‌کند... هیچ کس نباید برای ازدواج از فقر بترسد؛ زیرا خداوند سبحان بخشی از انگیزه‌های روزی را در ازدواج قرار داده که انسان در نگاه اول، آن را به حساب نمی‌آورد. هر یک از شما باید به اخلاق و دین و اصالت کسی که با او ازدواج می‌کند، دقت داشته باشد و در توجه به زیبایی و ظاهر و شغل وی زیاده‌روی نکند؛ زیرا این موارد مایه فریفتگی است و هنگامی که زندگی چهره سختی و آزمایش خود را نشان می‌دهد، این پرده‌ها به سرعت کنار می‌رود.

پایگاه رسمی آیت ا... سیستانی

غلط ننویسیم

تپانچه یا طپانچه؟

گاهی تصور می‌شود استفاده از «ط» به جای «ت» در کلمات به آن‌ها اصالت و قدمت می‌دهد، مانند این کلمه، ولی این واژه در قدیم به معنای سیلی و ضربه به پا و کف دست بوده است و امروز به معنای سلاح آتشی کمری نیز به کار می‌رود و املای صحیح آن تپانچه است و نه طپانچه.

برگرفته از «غلط ننویسیم»
اثر ابوالحسن نجفی

حکایت

ارزش فقیر نوازی

یکی از صالحان، پادشاهی را در خواب در بهشت دید و پارسایی را در جهنم. از خدا پرسید: «در دنیا، مردم خلاف این موارد را معتقد بودند. همیشه پارسایان را بهشتی و پادشاهان را جهنمی می‌پنداشتند.» ندا آمد: «این پادشاه به واسطه فقیر نوازی در بهشت است و آن پارسا به واسطه تقرب به پادشاهان در جهنم.»

حاجت به کلاه بَرّکی داشتنت نیست
درویش صفت باش و کلاه تتری دار

برگرفته از «گلستان» سعدی

بریده کتاب

عاشق شدن

می‌خواهی از نگاه کردن به او فرار کنی. پس سعی می‌کنی با ورق زدن کتاب توی دستت یا با کشیدن خطوط نامفهوم روی تکه‌ای کاغذ خودت را سرگرم کنی، اما نمی‌توانی. پرهیز از نگاه کردن به کسی که شوق دیدنش کلافه‌ات کرده، تردید مبهمت را به یقینی روشن تبدیل می‌کند: عاشق شده‌ای...

برگرفته از «چند روایت معتبر»
اثر مصطفی مستور

قرار مدار

اندکی صبر

او که...

علیرضا روشن

مرا نگاه می‌کند
او که به تاریکی خیره است
از من حرف می‌زند
او که سکوت کرده است

همشهری سلام!
پذیرای داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و ایده‌های بامزه و جالب شماست.
مطالب خود را در پیام‌رسان تلگرام به این شماره بفرستید:
۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵

بریده‌ها

خاطرات پیک موتوری

تعهد اخلاقی

ناصر علیرضایی

یک روز با موتور سیکلتم در خیابان دنبال مسافر می‌گشتم، آقای میان سالی برایم دست تکان داد. ایستادم. گفت: «می خوام برم یک کافی نت، چند دقیقه‌ای کار دارم، بعدش هم من رو برسونید محل کارم.» قبول کردم، سوار شد و راه افتادیم. چند خیابان آن طرف تر یک کافی نت بود. مرد گفت: «چند دقیقه‌ای منتظر باشید، بر می گردم.»

هوا گرم بود و خیابان هم شلوغ. گشتم تا یک سایه کوچک پیدا کردم، موتور را خاموش کردم و منتظر شدم. رفت و آمد مردم و ماشین‌ها را نگاه می‌کردم. حسابی سرگرم بودم که دستی به شانه‌ام خورد، بعد هم صدایی آمرانه گفت: «حرکت کن موتوری» از جا پریدم. به ساعتم نگاه کردم، تقریبا نیم ساعت بود که آن جا ایستاده بودم و خبری از مسافرم نبود. آرام آرام راه افتادم و رفتم جایی ایستادم که ممنوع نباشد و در ضمن اگر مسافرم آمد بتوانم ببینمش. خورشید مستقیم روی سرم می‌تابید و گرما کلافه‌ام کرده بود.

مدتی گذشت، دوباره به ساعتم نگاه کردم، دیدم حدود یک ساعت و نیم است که منتظرم. پیش خودم همه جور حدس و گمانی زدم، نیم ساعت دیگر هم صبر کردم، خیس عرق شده بودم که ناگهان مسافرم را دیدم که این طرف و آن طرف را نگاه می‌کرد و دنبالم می‌گشت. صدا زدم. دوان دوان آمد و شروع کرد به عذرخواهی که: «آقا ببخشید... آقا شرمنده‌ام... من کلا شمارو فراموش کرده بودم، فکر نمی‌کردم هنوز این جا باشید، واقعا عذرخواهم...» گفتم: «اشکالی نداره... اتفاقه، پیش میاد.» بنده خدا تعجبش از این بود که من بیشتر از دو ساعت منتظر مانده و نرفته بودم. گفتم: «من اخلاقا تعهد داشتم که شما رو به محل کارتون برسونم.» سوار شد و به مقصد رساندمش.

وقتی رسیدیم، بنده خدا دست کرد توی جیب هایش و دو برگ چک پول پنجاه هزار تومانی در آورد و به زور گذاشت توی جیبم. گفتم: «این خیلی زیاده!» جواب داد: «من هم اخلاقا تعهد دارم این ناقابل رو به شما بدم.»

مسابقه چی میگه

یاهاهاها...

سلام. این بار یک عکس طبیعی- طبیعتی برای مسابقه انتخاب کردیم، ببینیم چه می کنید! فراموش نکنید پیامک‌های بدون اسم، بی نمک و کلیشه ای در مسابقه شرکت داده نمی‌شن.

یادآوری روش مسابقه: باید برای این عکس یک شرح حال بامزه بنویسید و تا ساعت **۲۴** فردا شب (دوشنبه) برای ما به پیامک **۲۰۰۰۹۹۹** یا شماره **۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵** در تلگرام بفرستید. حتما در ابتدای هر پیامک، کلمه «چی شده؟ وقتی» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو بنویسید. بانمک‌ترین و خلاقانه‌ترین جمله‌های فرستاده شده، چهارشنبه به اسم خود نویسنده‌ها چاپ می‌شه. همیشه خوش باشید. حالا چند مثال:

*وقتی ساعت ۸ روز اول دانشگاه میری سر کلاس و در حال خمیازه کشیدن استاد سر میرسه!
*وقتی تو مهمونی به یه بچه میگن چه شعری تو مهد کودک یاد گرفتی و اونم میزنه زیر آواز و باباش چار چنگولی می مونه!
*وقتی با ناهارت سیر خوردی و تو مترو هی خمیازه می کشی!

تاپخند

- پول میدیم ماشین رو بیمه می کنیم که موقع تصادف ضرر نکنیم. بعد که تصادف می کنیم از جیب خسارت میدیم که از بیمه استفاده نشه، شامل تخفیف بشیم... زیبا نیست؟!
- تجربه ثابت کرده این که تو کار به کار کسی نداری، دلیل نمیشه که کسی کاری به کار تو نداشته باشه!
- دیروز رفتم بانک پرینت حسابم رو بگیرم، طرف گفت حسابت دو سال بود گردش نداشت و خالی بود، توش بادمجون و کدو کاشتیم. امسال هم باغدار نمونه استان شدی!
- باستان‌شناس‌ها وقتی بخوان از یکی تعریف کنن، میگن استخون‌های قشنگی داری!
- مرتب کردن فایل‌های هارد و لپ‌تاپ این جوریه که اولش خیلی ذوق و شوق داری و کلی پوشه درست می کنی، یکی یکی فایل میذاری توش. ولی وسط هاش قاطی می کنی، چند تا فولدر به اسم یک تا ده درست می کنی و همه رو می ریزی اون جا و خلاص!
- خروس قیافه‌اش همیشه یه جوریه که انگار فکر می کرده تو حسابش ۱۰۰ میلیون نقد هست، بعد الان کارت کشیده دستگاه عدم موجودی کافی داده. متعجبه کلا!
- تعویض روغنی که میری بعدش باید یه مسافرت بری چند روزی تا حال و هوات عوض بشه، هزینه تعویض روغنی رو فراموش کنی!
- مهیج‌ترین مسابقه دوی ماراتن هر روز بین ساعت ۷:۵۵ تا ۸:۰۰ صبح از در ورودی شرکت تا دستگاه کارت‌زنی برگزار میشه!

دور دنیا

زندانی شدن به جرم چک کردن گوشی تلفن شوهر!

آدیتی سنترال- مردی از امارات متحده عربی که نخواست نامش فاش شود، از همسر خود به دلیل چک کردن همیشگی تلفن همراهش شکایت کرد و دادگاهی در شهر «راس الخیمه» هم زن را به سه ماه زندان محکوم کرده است. هر چند زن در دادگاه اعلام کرد که شوهرش رمز گوشی اش را به او داده و او بارها مچ او را در حال چت کردن با زنان دیگر گرفته است، اما باز هم محکوم شناخته شد. شوهر او می گوید وقتی خواب است، زنش تمام محتویات تلفن او را در گوشی خودش کپی می کند و حتی آن‌ها را برای فامیلش هم می فرستد!

عجیب ترین روش خواستگاری

آدیتی سنترال- مرد جوان فیلیپینی تصمیم گرفت برای این که دختر مورد علاقه اش را غافلگیر کند، به ترسناک ترین روش ممکن از او خواستگاری کند. او با همکاری پلیس ترافیک، در وسط بزرگراه کنار موتورش، خود را به مردن زد و پلیس هم وانمود کرد که او بر اثر تصادف مرده است. دختر بیچاره که در حال شیون و گریه و زاری بالای سر مرد جوان بود، هرگز فکرش را نمی کرد که او ناگهان صحیح و سالم جلویش زانو بزند و با انگشتری در دستانش از او خواستگاری کند. ویدئوی این خواستگاری این روزها ترند شبکه های اجتماعی شده است.

ترسانک

چرخه وحشت

-تازه از خواب بیدار شده بودم. از اتاقم اومدم بیرون و رفتم روی کاناپه و لو شدم. همسرم تو آشپزخونه مشغول آشپزی بود. خواستم بهش بگم برام چای بریزه که دیدم روی میز جلوی کاناپه یک فنجون چای داغ هست. صدا زدم: «خانم چایی رو برای خودت ریختی یا من؟» جواب داد: «کدوم چایی؟ مگه تو بیدار شدی؟» فنجون رو سر کشیدم. چشم هام تار شد و بیهوش با صورت افتادم روی میز. بیدار شدم. از اتاقم اومدم بیرون. رفتم روی کاناپه و لو شدم. همسرم تو آشپزخونه مشغول بود. خواستم بهش بگم برام چای بریزه که دیدم روی میز جلوی کاناپه یک فنجون چای داغ هست. انگار همه چی در حال تکرار بود. صدا زدم: «خانم چایی رو برای خودت ریختی یا من؟» جواب داد: «کدوم چایی؟ مگه تو بیدار شدی؟» خواستم فنجون رو بردارم که یاد خواب چند لحظه قبلم افتادم. موبایلم زنگ زد. نگاه کردم از خونه خودمون بود. صدا زدم: «خانم چرا داری از خونه به موبایلم زنگ می زنی؟» گفت: «هود رو روشن کردم، صداش زیاده نمی فهمم چی میگی!» موبایلم رو جواب دادم، صدای زمختی گفت: «چرا چایی که برات ریختم رو نمی خوری؟» با ترس قطع کردم، رفتم سیم تلفن خونه رو کشیدم که زنگ خونه به صدا در اومد، از چشمی نگاه کردم، خانمم پشت در بود. خیلی ترسیدم آقای دکتر.

-چرا؟ یعنی اون یکی تو آشپزخونه روح خانمت بود؟

-نه، اون یکی پشت در خانم دومم بود...

-یعنی از اون روحی که به موبایلت زنگ زدنترسیدی؟

سید مصطفی صابری

تفأل

بشد که یاد خوشش باد روزگار وصال
خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا
قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست
قرار چیست صبوری کدام و خواب کجا

دی روز نامه

بهرام که گور زنده‌گیری می‌کرد، دیدی که چگونه شورش را درآورد؟

علیرضا کاردار |طنزپرداز

هفته‌ای که گذشت، هفته وحشتناکی برای محیط زیست‌مان بود. نه که بقیه روزها و هفته‌های سال سراسر خوبی و خوشی برای محیط زیست باشد، ولی این هفته دیگر واقعا شورش را درآورد. هرچند مادر این ستون سعی می‌کنیم از جنبه مثبت به اخبار نگاه کنیم و خودمان را در نیمه پر لیوان خفه کنیم و اجازه ندهیم نیمه خالی لیوان حال‌مان را بگیرد. برای همین یکی یکی خبرهای زیست محیطی اسفناک هفته پیش را با دید مثبت گرایانه مرور می‌کنیم:

اول خبر زنده‌گیری ۱۰ راس گورخر ایرانی در منطقه توران برای انتقال به پارک ملی کویر بود که در این عملیات پنج راس از آن‌ها کشته شدند. باید خوشحال باشیم که دست کم نصف آن‌ها زنده‌گیری شدند. تصور کنید اگر در این عملیات زنده‌گیری، همه‌شان مرده‌گیری می‌شدند، آن وقت بیشتر ناراحت نمی‌شدید؟ یا فکر کنید اگر هدف شکار گورخرها بود، چند راس از آن‌ها زنده می‌ماندند؟ پس از این خبر نباید ناراحت شد!

خبر بعدی دستگیری چند شکارچی غیرمجاز هنگام پوست کندن و کباب کردن یک قلاده خرس در نوشهر است که درست به موقع جنگلبان‌ها سر رسیده‌اند و آن‌ها را دستگیر کرده‌اند. باز هم تصور کنید اگر یگان محیط زیست کمی دیرتر می‌رسید و شکارچیان می‌توانستند خرس را کباب کنند و همزمان لایوو استوری بگذارند، چه می‌شد. یعنی از فردا همه خرس‌های زنده و مرده باید سر به بیابان می‌گذاشتند تا از گیر فالوئرهای مشتاق آن شکارچی‌ها فرار کنند. پس این خبر هم آن قدرها ناراحت کننده نیست!

خبر دیگر تصویری از یک جلسه اداری با حضور مدیران سازمانی بود که گویا برای حفظ محیط زیست دور هم جمع شده بودند و در پس زمینه عکس هم پوست و سر یک حیوان بینواروی دیوار خودنمایی می‌کرد. این جا هم به جای این که غر بزنیم که کاش در این جلسه دست کم برای حفظ آبروو بستن دهان منتقدان هم که شده، آن ها را از دیوار برمی‌داشتند، باید خوشحال باشیم و تصور کنیم که آن را از شکارچیان غیرمجاز گرفته‌اند و امیدوار باشیم که آن شکارچیان هم دستگیر شده‌اند. دوست داشتید آن پوست و سر را روی دیوار یکی از همان شکارچیان می‌دیدید، در حالی که مثل توی فیلم‌ها پیراهن و شلوار زرشکی براق پوشیده و لیوان آب پرتقال در دست، دارد سیگار برگ می‌کشد و بیلیارد بازی می‌کند؟!

و خبر آخر این که نماینده قم گفت: «دریاچه نمک در حال تبدیل شدن به بحرانی بدتر از دریاچه ارومیه است.» چرا باید از این خبر ناراحت بشویم؟ اگر به این فکر کنیم که با خشک شدن این دریاچه و بقیه دریاچه‌های کشور، به منبع پایان‌ناپذیری نمک دست می‌یابیم که می‌توانیم با آن‌ها آن قدر بانمک بشویم که اصلا محیط زیست و فجایع و خبرهای ناراحت کننده‌اش را به کل فراموش کنیم و همین طور الکی به هر خبری هر هر بخندیم!

سوتی سرا

فسقلی تک پا!

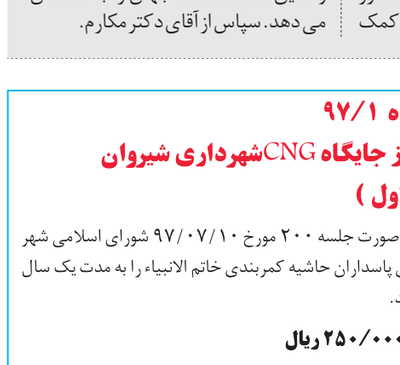

پسرم تازه به دنیا اومده بود و باید شب ها هر دو ساعت یه بار برای شیر دادن بیدار می شدم. یک شب که بیدار شده بودم و فسقلی مون رو از جاش بلند کردم، دیدم یکی از پاچه های شلوارش خالی و آویزونه! وای سکته کردم... هی داد می زدم «مامان پاش نیست... مامان پاش نیست...» داشتم گریه می کردم و به سر و صورتم می کوبیدم که پای بچه ام کنده شده که مامانم اومد و به دادم رسید. نگو شازده این قدر وول خورده بود که دوتا پاش رفته بود توی یه پاچه شلوارش!

ماوشما

* ای دولت تدبیر و امید، ای غمخوار
کالا سبدی که دادی در اول کار
حالا که شده قیمت شلغم به دلار
لطفی بنما و به سر سفره بیار
گفتم که روم قوطی ربی بخرم
دیدم که شده قیمت آن چارده هزار!

یار محمد خدنگی

* سه نقطه درباره دهقان فداکار خیلی خوب بود. واقعا بعید نیست چند سال دیگه همین بلا رو سر کتاب های درسی بیارن!
* داداشم فقط ۱۷ سالشه و خیلی باشعور و فهمیده است و خیلی به خانواده کمک می کنه. اسمش ابوالفضل است. عاشقتم داداشی، ۲۹ مهر تولدت مبارک عزیزم.
* می خواستم از این طریق از سوپر محل زندگی مون تو فلاحی یعنی سوپر مهدی تشکر کنم که در این زمان نه احتکارونه گران فروشی از ایشان دیدیم. با آرزوی موفقیت برای هموطنان خوب مون. **مسعودی**
* شما هم کفگیرتون خورده ته دیگ، فقط تبلیغات چاپ می کنید. **یک خواننده کنکوری**
* با تشکر از مطلب قاب جهان، خیلی خوب و دقیق نقاط مختلف جهان را به ما نشان می دهد. سپاس از آقای دکتر مکارم.

دیدنی‌ها

با اولین شهر شناور دنیا آشنا شوید

ایده زندگی روی یک شهر شناور، بیشتر ممکن است شبیه داستان های علمی تخیلی باشد، ولی به نظر می‌رسد که این ایده تا سال ۲۰۲۰ به واقعیت تبدیل شود. یک شرکت خصوصی به نام Seasteading Institute در سانفرانسیسکو، به تازگی در پی توافقاتی که با مسئولان جزایر پلی نزی فرانسه داشته است، قصد دارد این ایده را تا سال ۲۰۲۰ روی اقیانوس آرام اجرا کند. شهرهای شناور، ایده‌ای نو برای پایه گذاری کشورهای جدید است. منبع: ایندیپندنت

ساخت این پروژه، ۱۶۷ میلیون دلار هزینه خواهد داشت.

این شرکت از سال ۲۰۰۸ برای ساخت هر اینچ این شهر شناور برنامه‌ریزی کرده است.

به گفته رئیس شرکت، این شهر شناور در واقع استارتاپ یک کشور جدید است.

این شهر شناور در آینده قرار است دولت های گوناگونی برای مردمان مختلف تشکیل دهد.

همچون یک شهر واقعی، این شهر دارای خانه ها، هتل ها، دفاتر، رستوران ها و... خواهد بود.

هدف اصلی این پروژه، آزادی بشر یت از سیاست بازی و بازنویسی قوانین مدیریتی جامعه است.

آگهی مزایده ۹۷/۱

واگذاری بهره برداری و نگه داری از جایگاه CNG شهرداری شیروان

(نوبت اول)

شهرداری شیروان به استناد آئین نامه مالی شهرداری ها و بند ۱ صورت جلسه ۲۰۰ مورخ ۹۷/۰۷/۱۰ شورای اسلامی شهر شیروان در نظر دارد جایگاه پمپ گاز CNG واقع در انتهای خیابان پاسداران حاشیه کمربندی خاتم الانبیاء را به مدت یک سال برابر موارد مشروحه ذیل به شرکت های واجد الشرایط واگذار نماید.

*** قیمت پایه : ماهیانه ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال**

شرایط شرکت در مزایده واگذاری استیجاری جایگاه پمپ گاز

۱- کلیه شرکتهای واجد الشرایط باید دارای سابقه کار مفید ،حداقل ۳ سال (با تائید محل کار قبلی) باشند .

۲- صلاحیت شرکت ها باید مورد تایید شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران و گاز خودرو باشد .

۳- مبلغ ضمانت نامه شرکت در مزایده ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ضمانت نامه بانکی یا نقدی به حساب سپرده ۰۱۰۶۳۷۰۵۰۹۰۰۸ بانک ملی شعبه شهرداری شیروان) تهیه نمایید و اصل آن را در پاکت در بسته قرار دهید .

۴- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است .

۵- مهلت اخذ اسناد : از تاریخ ۹۷/۰۷/۲۲ تا پایان وقت اداری روز ۹۷/۰۸/۰۷ می باشد .

۶- مبلغ خرید اسناد مزایده ۵۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که به حساب درآمد شماره ۰۱۰۵۱۳۶۲۰۰۰۰۶ بانک ملی شعبه شهرداری شیروان واریز و فیش مربوطه ضمیمه اسناد گردد .

۷- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات به دبیر خانه : تا پایان وقت اداری روز پنج شنبه تاریخ ۹۷/۰۸/۱۰ می باشد .

۸- سپرده نفرات اول تا سوم، تا انجام معامله قطعی نزد شهرداری باقی خواهد ماند و اگر چنانچه نفرات اول تا سوم از انجام معامله به هر دلیلی انصراف دهند سپرده آنها به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد .

۹- جلسه بازگشایی پاکت ها : روز یک شنبه مورخ ۹۷/۰۸/۱۳ ساعت ۱۰ صبح در محل شهرداری برگزار خواهد شد.

۱۰- مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه می باشد و تا ۳ ماه دیگر قابل تمدید باشد.

۱۱- به پیشنهادات مخدوش، مبهم و مشروط، فاقد سپرده و یا پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر ارسال گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در فرم شرایط و اسناد مزایده مندرج است که متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ نشر این آگهی به آدرس خراسان شمالی- شیروان، شهرداری، امور قراردادها و پیمان ها مراجعه نمایند.

ضمناً شماره تماس ۰۵۸۳۶۲۲۸۹۳۸ جهت کسب اطلاعات بیشتر در اختیار متقاضیان می باشد.

شاهرخ شاهرخی- شهردار شیروان

۹۷۱۱۴۰۶۹/و

CMYK